

مواد مخدر: تراژدی و تجارت در پاکستان

انفجار هرویین:

افزایش سرسام آور هرویین، در واقع از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. تا سال ۱۹۷۹ کشت خشخاش در استان مرزی شمالی جنوبی پاکستان بطور قانونی و تحت مجوزهای رسمی صورت می گرفت. تمامی محصول کشت شده به کارخانه دولتی در لاهور فرستاده و در آنجا به دارو تبدیل می شد. اما بخش اعظم خشخاش که در این استان و نواحی مجاور آن که محل سکونت قبایل پشتو است به طور قاچاق کشت می شد و دست مقامات هم به آن نمی رسید. با اینحال، در دوره معینی، کشت غیر قانونی خشخاش، محدود بود و دست کم به خاطر شکل حمل و نقل محموله های پر حجم خشخاش بعمل نیامده، محدودیتی طبیعی وجود داشت. در سال ۱۹۷۹، کشت خشخاش در مناطق تحت کنترل دولت در استان مرزی شمالی جنوبی بطور کلی ممنوع بود. طبق آمار رسمی، سطح زیر کشت خشخاش، حتی در مناطق عشایری نیز کاهش یافته بود. اما این شرایط بعدها دچار دگرگونی ژرفی شد. برای درک دلایل آن، نخست باید حقایق زیر را یاد آوری کنیم: بشر، کشت خشخاش و دیگر گیاهان دارای مواد مخدر - نشئه آور - را از دیرباز شناخته بود. مورفین که محصولی مشتق از خشخاش است در اوایل قرن ۱۹ در انگلستان کشف شد. تزریق مورفین در نیمه قرن اخیر رایج گشت. در سال ۱۸۸۰ مشتقات خالص تری از تریاک، یعنی هرویین بدست آمده که مدت ها توسط شرکت داروئی آلمان (بایر) آشکارا به فروش می رفت. اما ده سال پس از اختراع هرویین، شمار معتادین در اروپا و آمریکا به صدها هزار نفر رسید. تولید و توزیع هرویین به انحصار سندیگاهای زیرزمینی درآمد. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران و افغانستان جولانگاه شبکه های وسیع تولیدکننده ها و قاچاقچیان مخدرهای مختلف و هرویین شدند. حجم مواد به ویژه در زمان سلطه شاه در ایران بسیار زیاد بود، در عین حال برخی از نواحی افغانستان نیز محصولات تریاک خود را در بازار ایران به فروش می رساندند. ظهور رژیم جمهوری اسلامی در ایران و تغییر رژیم افغانستان، تولید و بازاریابی مواد مخدر را بطور جدی در تنگنا قرار داد. به همین خاطر منطقه پشتوها که تحت کنترل حکومت پاکستان قرار داشت، نقش تولید و توزیع تریاک را وسیعاً عهده دار شد. برای آسان سازی صادرات مواد مخدر، تبدیل «مخفیان» خشخاش به هرویین به عهده کوه نشینان منطقه «واگذار» شد. برای تولید یک کیلو هرویین، بسته به کیفیت محصول، بین ۱۰ تا ۱۵ کیلو گرم تریاک لازم است، البته هیچ کس درجه خلوص پودر بدست آمده را

آزمایش نمی‌کند، بلکه مسئله اصلی، بسته‌بندی و سبک‌تر کردن و آماده‌تر ساختن آن برای حمل و نقل به‌صورت قاچاق است.

طی يك دوره کوتاه، منطقه عشايري به‌صورت «معدن طلائی» برای مافیای هروئین درآمده است. کم‌قیمت‌ترین محصول نیز حتی برای کشتکاران آن بسیار پرسود خواهد بود. شمار قابل توجهی از مزارع پشتوها در «خدمت» منافع جهان بزهکاران قرار گرفته است. نخست کوشش شد که از مسیر پیشین برای حمل مواد از مناطق پشتو به ایران استفاده شود. اما این کوشش‌ها با ممانعت شدید مقامات افغانستان روبرو شد. سپس يك راه میان‌بر، از طریق استان بلوچستان پاکستان برگزیده شد. گرچه بخشی از محموله‌های غیرقانونی از این طریق حمل می‌شود، - گواه آن درآمدهای سرشار محافظان مرزی و گمرکی و نیز تلفاتی است که در برخورد با قاچاقچیان متحمل شده‌اند - اما حجم عمده هروئین از طریق شهر بزرگ بندری و راه هوایی کشور، یعنی کراچی، بزرگترین شهر پاکستان عبور داده می‌شود. و در واقع از همین جاست که سفره‌روئین به کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی آغاز می‌شود. البته راه‌های دیگری نیز وجود دارد، اما بسیار طولانی و یا غیرقابل اعتمادند. حمل دریائی و هوایی هروئین از کراچی نیز به‌رحال خطراتی در بر دارد و گرچه قیمت حمل را بالا می‌برد، اما در عوض قیمت مواد در داخل کشور کاهش می‌یابد.

عرضه مواد مخدر در سطح زیر قیمت، تقاضا را افزایش می‌دهد و البته برخی پیش-شرط‌های اجتماعی و فرهنگی نیز در کارند. اجازه بدهید نخست پیش‌شرط فرهنگی آن را مورد بررسی قرار دهیم: زمینه: قرن‌هاست که در شرق و به‌ویژه در جنوب آسیا، از مواد مخدر استفاده می‌شود.

برای نخستین بار در عصر «ودا»ها به «چرس» و چرس هندی (بنگ) اشاره شده است. داروهای مخدر که در اعصاب «وارنا»های بزرگ - برهنه‌ها و کشایاتراها - بود در خلال جشن‌ها و عیاد مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مراسم نوشیدن مسکرات و کشیدن چرس در دوره سلطه اسلام در هندوستان باقی‌ماند، تریاک و الکل رایج شد. نجیبگان از تریاک و قش‌های فرودست از چرس استفاده می‌کردند. اعتیاد به نوشابه‌های سکر آور و مواد مخدر در میان «فقیر»ها و گدایان حرفه‌ای که در اماکن مذهبی و از جمله مزارها و قبور متبرکه گرد می‌آمدند شایع شد. کنترل بر خشخاش و تریاک برای نخستین بار در قرن ۱۶ و توسط اکبر فرمانروای بزرگ مغول صورت گرفت. حجم عمده محصول در قرون وسطی به ایران و آسیای مرکزی صادر می‌شد. انگلستان با تسلط بر هند درصدد دست‌اندازی روی اعضاء پرسود تریاک برآمد و حاکمان جدید جغرافیای صادرات را توسعه دادند و تمام تولیدکنندگان خشخاش را زیر کنترل شدید گرفتند. آنها تمام محصول را قبل از استحصال خریداری می‌کردند. در دوره سلطه انگلستان بخش عمده تریاک به چین و دیگر کشورهای خاور دور و اروپا صادر می‌شد. تجارت تریاک برای استعمارگران سوده‌های کلان به‌همراه داشت. به‌طوریکه آنها برای حفظ منافع خود از هیچ شدت عملی، مثل ایجاد جنگ‌های تریاک در چین، فروگذار نبودند.

خشخاش و چرس در پاکستان فراوان شد و تریاک بطور وسیع و مهارنشدنی در مناطق شمالی کشور کشت شد. در مناطق روستائی، بویژه مناطق کوهستانی و صحرائی ایالت‌های مرز شمالی و جنوبی، پنجاب و بلوچستان پاکستان، استفاده از بنگک بصورت یک سنت در آمد. اعتیاد به مواد مخدر در میان گروه‌های معینی از شهرنشینان رواج کامل یافت. اعضای سرآمدان شهری و طبقات متوسط، بطور سنتی ترجیح میدهند که از مشتقات تریاک استفاده کنند.

عوامل انفجاری شهرها

برخی می‌گویند که پیش‌شرط اجتماعی و فور سرسام آور هر وئین. سطحی است، اینها توده‌های عظیم بیکاران، نیمه‌بیکاران، تهیدستان، گدایان و مردمانی هستند که در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و هیچ سرپناهی برای خود ندارند. این ویژگی مناطق شهری پاکستان و به‌ویژه شهرهای بزرگ آن است. باید اشاره کنیم که در نیمه سالهای ۱۹۷۰ و اواخر آن حرکات منطقه‌ای جمعیت، به‌خاطر نیاز کشورهای خلیج فارس به کارگران خارجی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

این کشورها با کسب درآمدهای ناشی از صادرات، و افزایش قیمت نفت پس از سال ۱۹۷۳-۷۵، به توسعه ساختمان خود پرداختند و خدمات بازرگانی، مالی و اجتماعی خود را گسترش دادند. کارگران ماهر و یا بدون مهارت، مهندسان و صاحبان حرف از پاکستان به سوی «الدورادوی» جدید سرازیر شدند، آنها نخست با احتیاط، سپس بی‌مهابا دست به مهاجرت زدند. البته خروج به معنای رسیدن به سرزمین موعود نبود. پاکستانی‌ها در کشورهای «برادر» با زندگی سخت و دشوار و گاه استثمار غیرانسانی روبرو شدند، اما ادامه دادند، زیرا درآمدها بیش از ده برابر پولی بود که در کاری مشابه در کشور خود می‌توانستند بدست آورند.

مهاجرت خارجی به‌عنوان عامل شتاب دهنده به مهاجرت‌های داخلی، روستا-شهری و تداوم آن درآمد. در بازار کار شهری خلاء ایجاد شده بود و روستائیان به سرعت این خلاء را پر می‌کردند. برخی به‌صورت فصلی و ناچار از فصول بیکاری در کشاورزی و برخی به‌امید یافتن شغلی دائم به شهر می‌آمدند. بدین ترتیب ذخیره‌های نیروی کار در شهر رو به فزونی نهاد. این ذخیره‌ها را به‌ویژه جوانان تشکیل می‌دادند. سکونتگاه‌های شهری به سرعت گسترش یافت.

جریان مهاجرت‌های داخلی که سبب گسیل توده‌های روستائی به سوی مناطق شهری شد، به‌واسطه مهاجرین دیگر کشورها و عمدتاً بنگلادش که وضع بازار کار آن‌ها به‌مراتب وخیم‌تر بود، تکمیل گردید.

بدین ترتیب، مقداری فراوان و استثنائی از عوامل انفجاری به شکل شور بختی‌ها و ناامنی انسانی در کراچی و لاهور انباشته شد. این دوشهر با جمعیتی چندمیلیونی - جمعیت کراچی بیش از هفت میلیون و لاهور بیش از سه میلیون برآورد می‌شود - در واقع دروازه‌های اصلی به جهان خارج محسوب می‌شوند. از این دیدگاه، کراچی به‌ویژه نقش پر اهمیتی بازی می‌کند، زیرا به‌عنوان حلقه ارتباطی پاکستان با دیگر کشورها به‌شمار

می آید. این شهر به خاطر ویژگی های کلان شهری و ترکیب ناهمگن گروه های قومی در آن، زیانزد است. همین عوامل مشکلات اجتماعی شهر را برافزوده و آن را به محیطی برای حمل و نقل مواد مخدر تبدیل کرده است.

تراژدی هزاران نفر

طبق آمار رسمی در سال ۱۹۸۱ در پاکستان تنها دو نفر معتاد به هرئین گزارش شده است. اما در سال ۱۹۸۶ شمار معتادین به بیش از ۵۰۰ هزار نفر رسیده است. بررسی های بعمل آمده نشان می دهند که در پاکستان امروز از هر یازده خانوار، یک خانوار معتاد وجود دارد و شمار کسانی که خطر اعتیاد آنها را تهدید می کند شدیداً رو به افزایش است. بیمارستان «مایو» (Mayo) در لاهور به تنهایی بیش از دو هزار معتاد را بستری کرده است. عمده کسانی که از هرئین استفاده می کنند و به آن گرفتار شده اند، جوانانی هستند که در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال قرار دارند. اعتیاد در میان نوجوانان نیز گسترش یافته است. به طوریکه همواره تعدادی از معتادان جوان از مدارس اخراج می شوند.

مصرف کنندگان هرئین را می توان به دو گروه تقسیم کرد: یکی شامل مردمانی می شود که بضاعت و درآمدی ندارند و به کارهای گونه گون دست می زنند. اینها اعضای سنتی و فرودست شهری یعنی - خانه بدوشان، روسپان، دزدان و صاحبان درآمدهای موقت هستند. گروه دیگر شامل افراد توانمندتر و غالباً جوانان و از جمله دانش آموزان دبیرستان و دانشجو یان، کارمندان آرزومند اداری و کارگران مازاد است.

برای خوشامد ایالات متحده

می توان شمار روزافزون معتادان به هرئین - که تعداد آنها در کراچی ۲۰۰ هزار نفر و در لاهور ۱۸۰ هزار نفر گزارش شده - را به عنوان جنبه داخلی قلمداد کرد. اما جنبه های خارجی دیگری نیز وجود دارد که مقامات پاکستانی را بیشتر نگران می سازد. پادشاهان هرئین - مافیای بین المللی - تولید این ماده مخدر را در منطقه عشایر حمایت می کنند و جریان صدور آن را در دست دارند. این «طاعون سفید» مثل دیوی که به شکل دود از بطری در آید، در سراسر جهان منتشر می شود و قربانیان خود را نخست در امریکا و اروپای غربی (انگلستان، آلمان غربی و فرانسه) فراچنگ می آورد. طبق داده های منتشر شده در نشریات پاکستانی در سالهای اخیر تقریباً ۷۰ درصد هرئین مصرفی در امریکا و ۸۰ تا ۹۰ درصد مصرف اروپای غربی از پاکستان تامین می شود. طبق منابع دیگر، شبکه سوداگران مواد مخدر در پاکستان از بابت تجارت هرئین در ایالات متحده، از هر ۵۰ بلیون دلار ۲۰ بلیون دلار سود خالص به جیب می زنند.

سود انبوهی که از مواد بدست می آید مرهون قیمت بسیار نازل آن در محل تولید، یعنی در پاکستان نسبت به قیمت آن در ایالات متحده و دیگر کشورهای اروپای غربی است. برای مثال یک پوند هرئین که در منطقه عشایری به قیمت ۴۰۰۰ پوند انگلیسی خریداری می شود، به قیمت ۲۰ تا ۲۵ هزار پوند به صورت عمده فروشی و ۲۸ تا ۴۲ هزار پوند

به صورت خرده‌فروشی ارزش می‌یابد. مثال دیگر: يك كيلو هروئین (۹۰ درصد خالص) که در ژانویه ۱۹۸۶، در پاکستان ۲۶۰۰ دلار قیمت داشته است، در فرانسه به قیمت ۲۸۰ هزار دلار و در شیکاگو ای آمریکا به قیمت ۶۰۰ هزار دلار به فروش رفته است.

قلم روان و سلیس گزارشگران غرب همواره به اینگونه جایها انگک پرزرق و برقی نسبت داده‌اند. مثلاً در برابر «مثک طلائی» (کشورهای جنوب شرقی آسیا)، نام «هلال طلائی» و یا «صلیب طلائی» را برای منطقه شمال پاکستان برگزیده‌اند.

تبدیل سریع کشور به صورت مرکز تولید هروئین جهان، نگرانی‌هایی را به وجود آورده است. دیپلمات‌های امریکائی در پاکستان توجه مقامات محلی را به ابعاد خطرناک مسئله مواد مخدر جلب کرده و برای چاره‌جویی موثر پیشنهادهایی ارائه داده‌اند، آنها نمونه شوم و اسف‌بار «مالایا» را که قبلاً تجربه‌ای مشابه با پاکستان از سرگذرانده گوشزد کرده‌اند.

مقامات پاکستانی نیز به این تدابیر گوش کردند. شورای حکومتی برای کنترل مواد مخدر، فعالیت‌های خود را توسعه داد و در قانون توزیع مواد مخدر اصلاحات ویژه‌ای بعمل آمده که طی آن اشخاص دارای بیش از ۱۰ گرم هروئین و یا يك كيلو تریاک به زندان ابد محکوم می‌شدند. هیئت‌هایی که با صدور غیرقانونی مواد مخدر مبارزه می‌کردند تاسیس گردید. بعلاوه دولت برای توسعه شبکه‌ای از مراکز بالینی و درمانگاه‌های ویژه معاندان، دستورات لازم را صادر کرد.

اما دولت در امر بهبود بخشیدن به شرایط، به هر حال شکست خورد، یورش مقامات دولتی علیه «تجارت سیاه» تنها حرکتی نمایشی بود. مثلاً در سال ۱۹۸۵، مقامات در ۵۰۰ رشته عملیات مسوق به ضبط ۵۰ تن حشیش و ۵۰۰ كيلو گرم هروئین شدند؛ و در همین سال بیش از ۶۰۰ كيلو گرم هروئین، دهها تن تریاک و صدها هزار تن حشیش در منطقه استان مرزی شمالی جنوبی توقیف شد. اما همانطور که نشریات پاکستانی یادآور شدند، اینها تنها قطره‌ای از اقیانوس بود. طبق نشریه «پاکستان تایمز» حتی ۱۰ درصد از مواد مخدر تولیدی نیز کشف و ضبط نشده بود.

مقامات دولتی پس از شکست در از میان بردن انبارها، مسیر حمل و نقل و فروش مواد، نومیدانه کوشیدند تا «نمایش مبارزه» علیه مادر مواد، یعنی خشخاش را به اجرا در آورند. تصمیم بر آن شد که مواد اولیه برای کشت خشخاش را از طریق پرداخت مساعده و قرض الحسنه به کشاورزان از میان بردارند. ایالات متحده دومیلیون دلار وام، به‌ویژه برای این منظور به پاکستان اعطاء کرد. انگلستان و برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز کمک‌هایی کردند. اما با تمام این ظواهر، مساعده‌ها به دست کشاورزان نرسید و آنها در میان سرسراهای ادارات مرکزی و ایالتی «سرگردان» شدند. حکومت ایالتی مرز شمالی جنوبی، برای خوشامد آمریکا و لاپوشانی بزهکاری‌های خود اعلامیه‌ای مبنی بر تنبیه کشاورزانی که از دریافت وام و استفاده از فرصت‌های مغتتم روی گردانده‌اند، صادر و در پی آن مزارع خشخاش آنها را تخریب کرد. در اثر مناقشات میان پلیس نواد مرزی و دهقانان، در «گادون» «آمازی» و نواحی دیگر، دهها نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. نشریه «هرالد»

کراچی نوشت: «جنگ تریاک» بی دلیل بود و می توانست که اصلاً صورت نگیرد. گلوله‌ها تنها برای نشان دادن موضع «قاطعانه» مقامات به امریکا شلیک شدند.

دمل چرکین فساد

البته لازم است که با مفاسد اجتماعی مبارزه شود، اما مسئله اصلی در چگونگی این مبارزه است و اینکه کسی در این میانه برای خود کیسه ندوزد. اما از دیرباز در پاکستان، مسئله فساد به عنوان مشکل شماره یک مطرح بوده است. روزنامه‌ها و مجلات مربوط به سازمان‌های سیاسی مختلف همواره درباره زد و بندها و اختلاس مقامات ادارات مختلف پاکستان گزارش داده‌اند، اما هیچگاه تغییری صورت نگرفته است. میکرب فساد حتی در سازمان‌هایی که مسئول مبارزه با مواد مخدر هستند رسوخ کرده است و این امر یک اصل، و در واقع دلیل بلافصل شکست مبارزات دولت برای از بین بردن اعتیاد همه گیر، و ناتوانی آن در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر بوده است.

گزارش‌هایی که در نشریات جهانی با زتاب یافته، گویای آنست که حتی مقامات بلند پایه کشوری و لشکری پاکستان در جریان «صدور» هروئین دست دارند. اشاره شده است که برخی از بلندپایگان اداری ایالت سرز شمالی جنوبی از جیره بگیران مافیای هروئین هستند. ژنرال «فضل حق» مرد قسدرتمند و فرماندار نظامی سابق ایالت، نامش در شمار کسانی است که در تجارت «سیاه» دست داشته است.

پیشرفت اندک مقامات گمرکی، ژاندارمری و مرزداران در کشف و سرکوب مافیای مخدر، با توجه به مسئله فساد مقامات، امری عادی است. تنها رانندگان کامیون‌ها و ماشین‌های کوچک که مواد را حمل می کنند و یا مردانی که محموله‌ها را همراهی می کنند دستگیر می شوند. حتی در این میان، متخلفانی که بیش از ۱۰ کیلوگرم هروئین همراه داشته‌اند از محکومیت به زندان ابد خلاصی یافته‌اند. خبرنگاران پاکستانی دریافته‌اند که از هر سه نفر از این فروشندگان سیار، دو نفر بعد از یکسال بازداشت آزاد شده‌اند، و تنها یک نفر از آنها بیش از یکسال در بازداشت بوده است. حوادث پیرامون دستگیری «سلطان» تجارت سیاه به بهترین نحو در فیلم‌های مربوط به مافیای ایتالیا با زتاب یافته است. روزنامه کثیرالانتشار پاکستانی «مسلم» گزارش می کند که وی یکبار در زندان خود را به مریضی زده و پس از انتقال به بیمارستان فرار کرده است.

پناهندگان افغانی و اقتصاد زیرزمینی

مافیای بین‌المللی با همکاری مافیای محلی روی تجارت پر سود مواد مخدر در پاکستان سرمایه گذاری کرده‌اند. درآمد «مافیای» محلی به گفته برخی نشریات داخلی در مجموع به ۱۰ بیلیون دلار می‌رسد. این رقم به تنهایی تقریباً باکل دیون خارجی کشور برابری می کند. اما باید سودهای حاصل از فروش مواد مخدر در داخل که مقدار آن بیش از ۱٪ تولید ناخالص ملی در سال است، به این رقم افزود. به سخن دیگر، این پول‌ها از مجموع اعتباراتی که دولت برای بهداشت و درمان اختصاص می‌دهد، بیشتر است. تمرکز

سرمایه در دست «رئیس‌ها» با ثروتمند شدن دلان گوناگون، تجار و حتی فروشندگان جزء همراه است. طبق برخی برآوردها، تعداد عاملان تجارت کوتاه مدت مواد مخدر سر به ۳۳ هزار نفر می‌زند.

حمل و نقل مواد مخدر به عنوان يك بخش مهم از تجارت زیرزمینی مطرح شده و در پاکستان ابعاد وسیعی یافته است. حتی رسماً ارزیابی می‌شود که سود حاصل از تجارت «سیاه» ۱۵ تا ۲۰ و یا ۳۰ درصد کل درآمد ملی را تشکیل می‌دهد. برخی از افغان‌ها که بر اثر تغییر رژیم افغانستان فراری شده‌اند و گروهی از ثروتمندان آنها، اشیاء قیمتی خود را همراه برده و از آن به عنوان سرمایه اولیه استفاده می‌کنند. آنها در شرایط مساعدی که در پاکستان ایجاد شده به تدریج پا گرفته‌اند و در زمینه‌های مختلف سوداگری، فعالیت‌های روزافزونی به عمل می‌آورند. نخست شمار زیادی از «دکان»‌های آنها در پشاور (شهر اصلی ایالت مرزی شمالی جنوبی) و سپس در کراچی ایجاد شد. کراچی از بزرگترین شهرهای پشتو زبان پاکستان است و ۱/۵ میلیون نفر پشتو زبان، یعنی زبانی که افغانها بدان تکلم می‌کنند، در آن ساکن هستند. پناهندگان «سوداگر» به تدریج در سایر شهرهای ایالات سند، پنجاب و بلوچستان گرد آمدند. کسب و کار قانونی و مطلوب آنان تجارت و حمل و نقل است و تجارت اجناس مختلف قاچاق، مواد مخدر و اسلحه نیز جزو فعالیت‌های غیر قانونی آنهاست.

عامل افغانی بودن بطور روزافزون در اقتصاد زیرزمینی و تجارت «معمولی» اهمیت می‌یابد. تهاجم طلبی سوداگران مهاجر بواسطه پول و نیز سلاحهایی که از خارج دریافت می‌دارند، تقویت می‌شود.

تلاش برای سودجویی و مبارزه برای تقسیم «کیک» بزرگ مواد مخدر در واقع چاشنی انفجاری مناقشات خونی بود که میسان گروههای مختلف قومی در کراچی، حیدرآباد، کوتا و دیگر شهرها، در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۸۶ روی داد. طبق برخی گزارش‌ها، نزدیک به ۲۰۰ نفر در این مناقشات به هلاکت رسیدند، این حوادث گواه دیگری بر تراژدی مسئله مواد مخدر، و رابطه آن با تجارت اسلحه و آشوب‌های عمومی در منطقه است. تصادفی نیست که در جریان آشوب‌ها در کراچی، پلیس به مخفی گاههایی دست یافت که در آن بیش از ۲/۵ تن هروئین و مقدار زیادی سلاح قرار داشت. روشن است که اینها را برای دسته‌جات افغانی کنار گذاشته بودند.

ترجمه منصور گودرزی

Translated from:

'Asia and Africa today. Sep.-Oct. 1987' No. 5. pp. 57. 67.

ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادانی و مردم را به سوی راستی و پارسائی رهنمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل و عاطفه) به سرچشمه دانایی
پی بریم.

پسنا ۳۰ بند ۹